

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعید افغانی"

۰۴ اگست ۲۰۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر احمد

ترجمه و تفسیر سُورَةُ «النُّور» - ۵

جزء ۱۸

چاپ اول ۲۰۲۲ ©

سورة نور در مدینه نازل شده و دارای شصت و چهار آیت و نه رکوع می‌باشد.

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (۱۵)

چون [که آن تهمت بزرگ را] زبان به زبان از یکدیگر می‌گرفتید و با دهان‌های‌تان چیزی می‌گفتید که هیچ معرفت و شناختی به آن نداشتید و آن را [عملی] ناچیز و سبک می‌پنداشتید در حالی‌که آن (گناه و مجازاتش) نزد الله بسیار بزرگ است. (۱۵)

قبل از همه باید گفت که: زبان، تنها عضوی است که در طول عمر انسان، از حرف زدن، نه درد می‌گیرد و نه خسته می‌شود. شکل و اندازه آن کوچک، اما جرم و گناه آن بزرگ است. چه بسیارند کافرانی که با گفتن يك جمله (شهادت به یگانگی خداوند) مسلمان و پاک می‌شوند و مسلمانانی که با گفتن کفر به الله، یا انکار احکام دین، کافر و نجس می‌شوند. چهارمین توییح در آیت مبارکه اینست که می‌فرماید: «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ» هنگامی که آن بُهتان باطل و ناروا را که نه بدان علمی داشتید و نه بر آن دلیلی، از زبان همدیگر شنیده و در باره آن سخن می‌گفتید. «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ» در حالی‌که سخن گفتن به ناروا و بی‌پشتوانه علم و اطلاع دقیق، بر شما حرام شده، «و تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ» چیزی را به زبان می‌آوردید، در حالی‌که شما بدان علمی نداشتید، بلکه دروغ و بهتان محض بود. یعنی: این سخن شما فقط به زبان‌های‌تان اختصاص داشت، بی آن که با واقعیتی خارجی همراه باشد و در دل‌ها مورد باور قرار گرفته باشد، به‌طور مثال چون یکی از شما با دیگری ملاقات می‌کرد، به او می‌گفت: به من چنین خبری رسیده است، آیا تو هم از آن خبر داری؟ بدین‌گونه بود که بی‌اندیشه و تحقیق و اثبات، وی بی‌پشتوانه این خبر بهتان افروز را از یکدیگر دریافت می‌کردید.

مجاهد گفته است: یعنی آن را از یکدیگر نقل و روایت می‌کردید و هر یک می‌گفت: من از فلانی شنیدم که چنین و چنان می‌گفت. (مختصر ۵۹۱/۲).

« وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا » و گمان می‌بردید و طوری می‌پنداشتید که کاری است سهل و ساده! و به اصطلاح گناهی است کوچک و ناچیز که برای شما کیفری دربر ندارد. « وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ » غافل از آن‌که از جمله نزد خداوند از جمله بزرگترین گناهان تباه کننده و پر خطر به حساب می‌آید؛ زیرا تعرض به آبرو و ناموس مسلمانان به شمار می‌آید. در التسهیل آمده است: الله متعال درباره سه چیز از آنان عتاب گرفته است: اول، این که در مورد آن به پرس و جو پرداختند. دوم، آن را به زبان آوردند. سوم، آن را کوچک و ناچیز شمردند و آن را بی‌اهمیت و ناچیز پنداشتند. در حالی که نزد خدا بسی بزرگ و مهم است. فایده آوردن «ألسنتکم و أفواهکم» این است که آنان آن جریان را فقط با زبان از یکدیگر دریافت می‌کردند بدون این که قلباً به آن اعتقاد داشته باشند؛ زیرا آن‌ها قلباً از حقیقت خبر نداشتند. (التسهیل ۶۲/۳).

این کثیر می‌گوید: «حتی اگر آن زن بی‌گناه و پاکدامن، همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم هم نبود، این کار نزد الله متعال بس بزرگ بود، چه رسد به این‌که این بهتان به همسر خاتم الانبیاء محمد صلی الله علیه وسلم زده شود». در حدیث شریف آمده است: «بی‌گمان انسان کلمه‌ای را از آنچه که سبب خشم الهی است می‌گوید و به آن هیچ اهمیتی هم نمی‌دهد، در حالی که به سبب گفتن آن کلمه، از مسافتی که از میان آسمان و زمین دورتر است، در دوزخ فروافکنده می‌شود».

قابل تذکر است که این آیت بر تحریم پخش دروغ و سخن گفتن به تهمت دلالت دارد. نقل تهمت‌ها و شایعات از گناهان کبیره است، سخن باید بر اساس علم باشد، و زیر سؤال بردن آبروی مردم را ساده نگیریم.

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (۱۶)

و چرا وقتی که آن (بهتان بزرگ و ناروا) را شنیدید نگفتید: برای ما سزاوار نیست که به آن سخن بگوییم، (ای الله) تو را به پاکی یاد می‌کنیم، این بهتانی بزرگ است؟ (۱۶)

در این آیت مبارکه پنجمین توبیخ و تأدیب که می‌فرماید: «وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا» در این فرموده الهی تمام مؤمنان را مورد عتاب قرار داده می‌فرماید: چرا آن‌گاه که داستان افک را شنیدید، در تکذیب بهتان‌سازان و افتراء زندگان نگفتید: اصلاً برای ما سزاوار نیست و به ما نمی‌زیبد که به این‌چنین سخنی بر زبان جاری سازیم و چنین سخنی هرگز به هیچ وجه از ما سر نمی‌زند.

«سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» پروردگارا! تو منزهی؛ آخر این گناهی است بزرگ، جرمی است بس شنیع و بهتانی است بس ناروا؟! در حقیقت این گفته افتراء و دروغی است روشن و آشکار و گناهی است بزرگ. ز مخشری گفته است: آوردن عبارت «سبحان الله» برای ابراز تعجب از موضع‌گیری آن دسته از مسلمانان فریب‌خورده آمده است. و اصل بر این است که هنگام دیدن عجایب «سبحان الله» گفته شود. (کشاف ۲۲۵/۳).

بر مسلمانان است که در همه شرایط حیات خویش، رسالت بزرگی نهی از منکر را نباید به فراموشی بسپارد، بلکه دفاع از آبرو و عزت مسلمان برمسلمان واجب است. انسان در برابر شنیده‌ها، مسؤول است. و زمانی که با مسائل مهم برمی‌خورد باید «سبحان الله» بگوید.

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُوذُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۷)

خدا شما را اندرز می‌دهد که اگر ایمان دارید، هرگز مانند آن را [در حق کسی] تکرار نکنید. (۱۷)

ششمین تأدیب این است :

« يَعْظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا » الله تعالی به شما اندرز می‌دهد که هرگز به مانند آن بازنگردید، هرگز مانند آن را [در حق کسی] تکرار نکنید.

« إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ »: اگر واقعاً شما مؤمن هستید؛ زیرا ایمان مانع ارتکاب چنین بهتانی می‌باشد. به مؤمن هشدار می‌دهد و نهی می‌کند از این‌که دیگر هیچ گاه نباید مانند این عمل را تکرار نمایند. این آیت متضمن تحریک و تهییج بر پندگیری می‌باشد.

در ضمن وظیفه ما است تا: برای حفظ آبروی مردم و جلوگیری از سوء ظن باید دیگران را موعظه کرد. دامن زدن به سوء ظن و افتراء، سبب محو ایمان است.

وَيَبِّئُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۸)

و خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، و خدا علیم و حکیم است. (۱۸)

« وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ »: الله متعال به مصالح بندگان آگاه و در تدبیر امور و تشریح خود حکیم است.

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۱۹)
کسانی که دوست دارند فحشاء و بی‌حیائی در میان مؤمنان شایع گردد، ایشان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی دارند، و الله (رازهای سینه‌ها را) می‌داند و شما نمی‌دانید. (۱۹)

هفتمین: تأدیب که در این آیت مبارکه وجود دارد اینست که می‌فرماید: « إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا » بهراستی کسانی که دوست دارند، فحشاء شایع شود، یعنی: زنا شیوع پیدا کند و منتشر گردد «در میان کسانی که ایمان آورده‌اند» یعنی: در میان پاکدامنان با عفت از اهل ایمان. «لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» برای‌شان در دنیا مجازات اجرای حدّ قذف و غیر آن از مصایب دنیوی خواهد بود و در قیامت عذاب دوزخ.

حسن گفته است: هدف از این وعید و لعن و نفرین، منافقان است، که آن‌ها قصد آزار پیامبر صلی الله علیه و سلم را داشته و آن هم کفر است و دارنده چنین قصدی ملعون است. (البحر المحیط ۴/۴۳۹).

« وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ » و الله متعال به دروغگوئی‌شان داناست اما شما این امر را نمی‌دانید. او بر آنچه پنهان داشته‌اند آگاه است حال آن‌که شما نسبت به آن علم و اطلاعی ندارید. امام فخر رازی می‌فرماید: این جمله در اینجا از موقعیت بسیار زیبایی برخوردار است؛ زیرا محبت قلب مکنون است و ما جز از طریق علایم از آن خبری نداریم. ولی خدا هیچ چیزی را بر او پنهان نیست. در نتیجه این یادآوری به صورت آخرین مرحله زجر و منع در آمده است؛ زیرا هر آن که خواهان اشاعه پستی است، هر چند در اخفای آن بکوشد، خود می‌داند که خدا از آن با خبر است و از میزان کیفرش نیز آگاه است. (تفسیر کبیر ۱۸۳/۲۳).

در این هیچ جای شکی نیست که: علاقه داشتن به گناه، مقدمه گناه است. در راه نهی از منکر، علاقه به منکر را بادی محو کنیم. حتی دوست داشتن بعضی گناهان، در ذات خود گناه کبیره است، از جمله مانند ریختن عزت و آبروی مؤمن.

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ (۲۰)

و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود و این‌که خدا رؤوف و مهربان است [به مجازات بسیار سختی دچار می‌شدید]. (۲۰)

در مورد هشتمین توبیخ که در آیت مبارکه تذکر رفته است، مفسر تفسیر المیسر: دکتر عایض بن عبدالله القرنی می‌فرماید: اگر فضل خدای سبحان بر کسانی که در موضوع بهتان سخن گفتند نبود و لطف و رحمتش آنان را در نمی‌یافت، بی‌گمان شتابان به عذابی سخت مجازات‌شان می‌کرد ولی مهلت داد و حدّ را، به عنوان جایگزین، بر قذف کننده مشروع ساخت و توبه کاران را پذیرفت.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٢١)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گام‌های شیطان پیروی نکنید. و هرکس از گام‌های شیطان پیروی کند (بداند) که او به فحشا و منکر دستور می‌دهد و اگر فضل الله و رحمت وی بر شما نبود، هرگز کسی از شما (از گناه) پاک نمی‌گردید، ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می‌کند و خدا شنوا و دانا است. (٢١)

سیاست شیطان، نفوذ تدریجی و گام به گام است:

نهمین توییح همانا متابعت و پیروی کردن از گام‌های شیطانی، در بهتان علیه حضرت بی بی عائشه (رضی الله تعالی عنها) است. طوری که در آیت مبارکه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ» ای کسانی که به الله ایمان آورده و از پیامبرش پیروی کرده اید، به شیطان اقتداء ننموده و به راه وی روان نشوید و با پخش اشاعه زشت و پلیدی وی که به راه انداختن بهتان و افتراء است گوش فرا ندهید و راه او را در پیش نگیرید.

« وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ » و هرکس که از گام‌های شیطان پیروی کند، بداند که او یعنی: شیطان به فحشا و منکر امر می‌دهد.

فحشاء: چیزی است که در زشتی و ناشایستی خود به حد افراط باشد و منکر: چیزی است که عقل، طبع و شرع، آن را ناپسند شمارد. مسلم است که هرکس از شیطان پیروی کرد، مقتدی وی می‌شود و از او در اوامرش اطاعت می‌کند. آیت مبارکه می‌افزاید: «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ» ای مؤمنان! اگر فضل خدا شامل حال‌تان نمی‌شد و الله متعال بر شما فضل و احسان و مهربانی نمی‌کرد، هرگز هیچ‌کس از شما را ابداً از پلیدی گناه و نحوست و نجاست خطا پاک نمی‌ساخت، «وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ» لیکن او به فضل خویش هر کس از بندگانش را از چرک گناه پاک می‌کند. «وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» او شنوای سخنان و دانا به افعال شماست؛ صداها را شنیده و نیت‌ها را دانسته است. و به ضمیر و مقاصد شما آگاه است.

امام قرطبی گفته است: منظور این است: تزکیه و تطهیر و هدایت از سرچشمه فیاض لطفش می‌جوشد نه از اعمال شما. (تفسیر قرطبی ٢٠٧/١٢).

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٢٢)

و از میان شما کسانی که دارندگان ثروت و توانمندی مالی هستند، نباید قسم بخورند که از انفاق مال به خویشاوندان و بینوایان و مهاجران در راه الله دریغ ورزند، و باید [بدی آنان را که برای شما مؤمنان توانگر سبب خودداری از انفاق شده] عفو کنند و از مجازات درگذرند؛ آیا دوست نمی‌دارید خدا شما را ببامرزد؟ [اگر دوست دارید، پس شما هم دیگران را مورد عفو و گذشت قرار دهید]؛ و خداوند غفور و رحیم است. (٢٢)

روایت است وقتی حضرت ابو بکر صدیق رضی الله عنه آیت را شنید گفت: بله من دوست دارم الله مرا ببخشد، و دادن نفقه را به مسطح از سرگرفت و کفاره‌ی قسمش را داد و گفت: به خدا هرگز نفقه‌ی او را قطع نمی‌کنم! مفسران گفته‌اند: آیت بر فضل و بزرگی ابوبکر صدیق رضی الله عنه دلالت دارد؛ چون خدای متعال فرمود: «وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ»، و او را مدح کرده است و این برای فضل و بزرگواری حضرت ابو بکر صدیق رضی الله عنه کافی است. الله تعالی از او راضی باد!

همچنان مفسران در تفاسیر خویش در ذیل آیه مبارکه: «و لا يأكل أولوا الفضل منكم...» می نویسند که ابوبکر صدیق (رض) پس از پیامبر صلی الله علیه وسلم بزرگترین و برترین انسان است و صفات زیبا و شگفتش در این آیت، دلیل بر صدق این گفته و مقام شامخ او در دین است.

از فحوای آیت مبارکه بر می آید که: مرفهین (پولداران و افراد غنی) در برابر محرومان دارای مسؤولیت می باشند، در ضمن آیت مبارکه به ما می آموزاند که: مهمتر از انفاق، استمرار آن و خسته نشدن از آن و کوتاهی نکردن در آن است. چه زیبا است کسی که دیگران را ببخشد، به بخشش الهی نزدیکتر است.

روش تعلیمی اخلاقی به صحابه:

کلمه «وَلَا يَأْتِي» انتلاء در آیت مبارکه؛ به معنای قسم خوردن می آید، دوفرا از مسلمانان به نامهای حسان و مسطح در واقعه تهمت زدن به حضرت عایشه صدیقه، شرکت داشتند، که پس از نزول آیات برائت، آن حضرت صلی الله علیه وسلم حد قذف بر آنان اجراء فرمود، حسان و مسطح هر دو صحابی جلیل القدر و بدری هستند، ولی این کوتاهی از آنها سر زد، و مسطح موفق به توبه صادق شدند، و همان گونه که حق تعالی برائت حضرت عایشه صدیقه را نازل نمود، هم چنین پذیرش توبه این مؤمنان و عفو آنها را هم اعلان نمود.

مسطح یکی از نزدیکان فقیر حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه، بود که حضرت ابوبکر به او اعانه مالی می نمود، وقتی که در واقعه افک ثابت شد که او هم شرکت داشت، پس شفقت پدری والد حضرت عایشه صدیقه و رسیدن چنین صدمه سختی به حضرت بی بی عایشه صدیقه، او طبعاً از مسطح رنجید، و قسم خورد که در آینده به او اعانه مالی نخواهم داد، بدیهی است که کمک کردن مالی به فقیر، بر مسلمان خاص علی التبعین واجب نیست، و اگر کسی که به او کمک می کرد از کمک کردن دست بردارد، گناهی نیست، ولی حق تعالی خواست که گروهی از صحابه را در دنیای معاشر، نمونه بسازد، بنابر این کسانی را که به این اشتباه مبتلا شده بودند، به نعمت قبول توبه و اصلاح آنان در آینده مورد نوازش قرار داد، اعلی ترین تعلیم اخلاقی به آنان داده شد که باید این قسم شکسته، کفاره آن را بدهند، و خودداری از کمک کردن به فقیر، مناسب مقام بلند آنها نیست، همان گونه که حق تعالی از تقصیر آنها در گذشت، آنها هم باید به عفو و کرم گذشت نمایند.

چون کمک کردن مالی حضرت مسطح بر حضرت ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه واجب شرعی نبود، بنابر این، قرآن این عنوان را اختیار نمود که اهل علم و فضل که خداوند متعال به آنان کمالات دینی عنایت فرموده و قدرت دارند که در راه خدا انفاق نمایند، نباید چنین قسم بخورند، در آیت مبارکه دولفظ «أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ» بدین معنی آمده است.

آنچه در آخرین جمله این آیت فرمود که: «أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» یعنی: شما دوست نمی دارید که الله تعالی گناهان شما را عفو نماید، حضرت ابوبکر صدیق (رض) فوراً فرمود: «والله إني أحب ان يغفر الله لي» (رواه الشيخان) یعنی قسم به الله من حتماً می خواهم خداوند مرا بیامرزد، و فوراً کمک مالی را که به حضرت مسطح می داد آن را مجدداً به مورد اجراء گذاشت، و نیز فرمود: این کمک قطع نخواهد شد. (بخاری و مسلم) این، آن مکارم اخلاقی است که صحابه کرام با آن تربیت داده شدند، در صحیح البخاری از حضرت عبد الله بن عمر (رض) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «ليس الواصل بالمكافي ولكن الواصل اللذي اذا قطعت رحمه وصلها» (مظهری) یعنی صلّه رحم کننده کسی نیست که تنها در مقابل احسان خویشاوندان، به آنها عوض بدهد، بلکه در اصل صلّه رحمی کننده کسی است که با وجود قطع رابطه از طرف خویشاوندان، ارتباط را برقرار سازد. (مظهری)

خوانندگان گرامی !

در آیات متبرکه (۲۳ الی ۲۶) درباره مجازات اهل بُهتان و افتراء در بخش پایانی داستان اِفك ، به بحث گرفته می‌شود .

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۲۳)

بی تردید کسانی که زنان عقیفه پاکدامن باایمان را [که از شدت ایمان از بی عفتی و گناه بی خبرند] متهم به زنا کنند، در دنیا و آخرت لعنت می‌شوند، و برای آنان عذابی بزرگ است.(۲۳)

توضیح لغات واصطلاحات :

« يَرْمُونَ »: می زنند، تهمت می زنند. « الْمُحْصَنَاتِ »: زنان عقیفه و پاکدامن.

« الْغَافِلَاتِ »: زنان بی‌خبر از هرگونه آلودگی، پاکدل و سینه بی‌کینه، بی مکر و نیرنگ «لُعِنُوا»: از رحمت دور گشته اند. (تفسیر: کشاف).

ابن عباس (رض) در مورد این آیت مبارکه می‌فرماید: این لعن در مورد فرد یا افرادی است که تهمت به زنان پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌زنند؛ زیرا آنها توبه ندارند، ولی اگر یک نفر زنی مؤمن غیر از زنان پیامبر صلی الله علیه و سلم را قذف کند، خدا برایش توبه مقرر فرموده است (حاشیه شیخزاده بر بیضاوی ۴۳۰/۳).
و ابوحمزه گفته است: آیت در مورد مشرکان نازل شده است. وقتی زنی به مدینه مهاجرت می‌کرد، مشرکان مکه می‌گفتند: برای عمل بد، فجور و فسق رفته است.(البحر ۴۴۰/۶).

شان نزول آیات ۲۳ - ۲۶:

۷۶۰- ک: طبرانی از خصیف روایت کرده است: از سعید بن جبیر پرسیدم که گناه زنا بیشتر است و یا قذف، اتهام زنان عقیف و پاکدامن به زنا؟ گفت: زنا. گفتیم: خدا می‌گوید: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ» «کسانی که زنان پاکدامن و بی‌خبر از همه جا را به زنا متهم می‌کنند در دنیا و آخرت بر آنان لعنت فرستاده می‌شود و مورد نفرت واقع می‌شوند و برای آن‌ها عذاب سختی در پیش است».

گفت: این سخن خدا خاص در مورد عایشه (رض) نازل گشته است. در اسناد این روایت یحیی حمانی ضعیف است.(طبرانی ۲۵۸۸۱ و طبرانی ۲۳ / ۱۵۱ از خصیف روایت کرده اند. اسناد این به خاطر یحییای حمانی ضعیف است.)

۷۶۱- ک: و همچنین از ضحاک بن مزاحم روایت کرده است: خدای بزرگ آیت: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ...» به طور خاص در باره زنان پیامبر نازل کرده است. (طبری ۲۵۸۸۳ و طبرانی ۲۳ / ۱۵۲ این مرسل است).
۷۶۲- ک: این ابوحاتم از طریق سعید بن جبیر از ابن عباس(رض) روایت کرده است: این آیت خاص در شأن عایشه (رض) نازل شده است (محقق به اسناد این آگاه نشده. اما طبری ۲۵۸۸۵ از وجه دیگر از ابن عباس روایت کرده که یکی از راوی‌های آن مجهول است. و طبری ۲۵۸۸۷ به همین معنی روایت کرده که در این عطیه عوفی واهی است).
۷۶۳- ک: این جریر از عایشه (رض) روایت کرده است: هدف تیر اتهامات ناشایست قرار گرفتم در حالی که از همه چیز بی‌خبر بودم و بعد از مدتی از جریان آگاه شدم. روزی رسول الله نزد من بود که ناگاه وحی نازل شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم راست نشست و عرق خود را پاک کرد و گفت: ای عایشه، نویدت می‌دهم شاد باش، گفتیم: فقط خدا را سپاسگزارم و بس. آنگاه رسول الله «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۲۳) يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴) يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (۲۵) الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ» را قرائت کرد (طبری ۲۵۸۸۲ از عمر بن ابوسلمه از پدرش روایت کرده است. اسناد این به خاطر عمر ضعیف است و متن به همین عبارت صحیح نیست و آنچه را بخاری، مسلم و دیگران از عایشه روایت کرده اند حجت است.)

۷۶۴- ک: طبرانی به سندی که راویان آن ثقه اند از عبدالرحمن بن زید بن اسلم روایت کرده است: هنگامی که عایشه (رض) هدف تیر اتهامات و افترای منافقان قرار گرفت، خدا او را از آن بهتان عظیم برائت داد و آیت: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ» را در باره او نازل کرد. (طبرانی ۲۳ / ۱۵۶ و طبری ۲۵۹۰۵ روایت کرده اند، این مرسل و ابن زید ضعیف است.)

۷۶۵- ک: طبرانی به دو سندی که در هردوی آنها ضعف است از ابن عباس (رض) روایت کرده است: عده‌ای در شأن زوج پاکیزه پیامبر سخنان افتراء آمیز گفتند. در باره آنان آیت: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ...» نازل شد. (طبرانی ۲۳ / ۱۵۷ و ۱۵۹. هیثمی در «مجمع الزوائد» ۱۱۲۲۲ می‌گوید: در هردو سند راوی ضعیف است.)

۷۶۶- ک: طبرانی از حکم بن عتیبه روایت کرده است: چون مردم در باره عایشه (رض) به تبصره پرداختند رسول الله (شخصی را به نزد او فرستاد و گفت: ای عایشه! مردم چه می‌گویند؟ گفت: هیچ عذرخواهی نمی‌کنم تا این که بیگناهی من از آسمان نازل شود. پس خدای بزرگ پانزده آیت از سوره نور را در رابطه با او نازل کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم آیات را تا به آیت «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ...» قرائت کرد. این روایت مرسل و دارای اسناد صحیح است. (طبرانی ۲۳ / ۱۶۰ این مرسل است.)

ادامه دارد